و متشفع پس قول عاملی ظرف او کی بست برای افادهٔ مبالغه در بیان منکب
مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ فَلَهُ حَسَنَةٌ لَا أَقُولُ الٓمٓ حَرْفٌ
وَلٰكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَامٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ در سنن ترمذی
مرویست از حدیث ابن مسعود رض که رسول خدا فرموده است و ترمذی گفته حسن
صحیح غریب انتهی و نزد بعضی موقوفست بر ابن مسعود رض کسی که بخواند حرفی از
قرآن در نسخه ایست فله به پس مر اورا نیکوییست به سبب این خواندن یک نیکی عدد لا
والحسنة بعشر امثالها ای فضلا و این اقل مضاعفست و اکثر را حدی معین نیست
والله ذو الفضل العظیم و مراد بحرف حرف مبانیست از حروف هجا پس قول
رسول خدا الف حرف و لام حرف و میم حرف ای مسمای هر یکی ازین سه اسم که
آخر هر یکی ساکن است محتمل که مرفوع منون باشد حرفست ای اوله و لم و میم یا بی وقف
ها روقف در آخر هر یک از سه اسم که حرف است پس حمل حرف بر هر یکی مجاز است
پس برین تقدیر اگر مراد الم مفتتح سورهٔ فیل باشد عدد حسنات سی است و اگر مفتتح
سورهٔ بقره باشد و شبههها عدد حسنات نود است کذا حققه الطیبی و غیر من الشراح
و اراده مفتتح سوره بقره ابلغ است در ترغیب لیکن درین اراده ظاهر آنست که
میفرمود الف حرف و لام دو حرف و قال المصنف المراد بالحرف الکلمة بدلیل قوله
صلی الله علیه وسلم لا اقول الم حرف لکن الف حرف و لام حرف و میم حرف فلو
کان المراد الحرف الهجائی لکان الم ثلثة احرف وقد بینت ذلک و اوضحته
کتب التفسیر لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ
بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُهُ آنَاءَ
اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ حسد به خواستن از باب نصر ای خواهش

تحقیق لفظ

زوال

زوال نعمت کسی و این مذموم است و منهی غبطه بکسر سکون ای احوال و آرزو بردن
بحال کسی به آنکه زوال آن خواهد از وی از باب ضرب و این روایتست اثنتین
و در نسخه صحیحه اثنتین است و عقلا نوشته اند که بنا معظم روایات بخاری است ای
فی خصلتین او نعمتین پس تواند بود برد و در اثنین و تثنیه نعمتین او خصلتین رجل
بجر است بنا بر بدلیت و در نسخه ایست برفع بتقدیر احدهما او منهما آتاه از
ایتاست یعنی اعطا آناء جمع است یعنی ساعات و در واحد سه لغت است
انی کمعی و انا کعصا و انی و انو بکسر همزه و سکون نون کذا قال الطیبی
یعنی در صحیح بخاری و مسلم مرویست از ابن عمر رض که رسول خدا فرموده
قال المصنف فی تصحیح المصابیح و رواه الترمذی والنسائی و ابن ماجه و احمد
مراد بحسد اینجا غبطه است ای نیست غبطه و رشک بردن مگر در دو کس یا در دو نعمت
یعنی نمی باید مسلم را که آرزو کند آنکه فلان از نعمت داده خدا نیز باشد مگر آنکه
آن نعمت سبب تقرب باشد به سوی خدا مانند تلاوت قرآن و التصدق بمال
و جهاد و نماز و غیر ذلک از طاعت لهم درین حدیث اشارتست که تو
انکه مفهوم و در عدد معتبر نیست که تقرب به سوی انکه غبطه در غیر آن نعمت که
تقرب است نیز منهی است مانند حسد اگر چه گناه این غبطه کمتر است از گناه حسد
کذا فی النهایة یا حسد بمعنی خود است ای نیست حسد مگر درین دو کس یا درین
دو نعمت و قیل نیست حسد مجوز و اگر مجوز می بود هر آینه جایز می بود درین دو مرد
پس در حدیث افاده مبالغه است در بیان فضل هر یکی از صفتین و تقال دو
رجلین نظر الی حصر معینست بر دو نعمت یعنی نعمت علم و نعمت مال و ایمان
بسوی آن که علم بهتر است از مال و عالم افضل است از عابد بالیسوی فقر صابر و غنی

توضیح معنی

Copyright © King Saud University